

نثر شکسته ادبیات محاوره

لیلا حلاجزاده



ما در سیاق نثرنویسی فارسی به نمونه‌هایی از نثر معاصر برمی‌خوریم که از آنها تعبیر به «نثر عامیانه یا محاوره‌ای» می‌شود. در میان این نثرها، نوعی نثر خاص تلگرافی وجود دارد که ما نام «نثر شکسته» را برای این گونه نثرها برگزیدیم. در نثر شکسته، نویسنده سعی در کوتاه کردن نثر دارد. او به شیوه‌ای مقطع و فشرده، نثری صریح و دقیق و تلگرافی و عاری از حشو و زواید به وجود می‌آورد.

اولین شکسته‌نویسان، در میان نویسندگان نسل اول جای می‌گیرند. نویسندگانی چون جمال‌زاده، هدایت، آل احمد و چوبک در نوشته‌های خود از این نثر بهره جسته‌اند. البته نثر جمال‌زاده بیشتر محاوره‌ای است ولی به جهت آن که اولین نویسنده‌ای است که نمونه‌هایی از نثر شکسته نیز در نوشته‌هایش دیده می‌شود و از لحاظ تاریخی در جایگاه مهمی قرار دارد، نام او را نیز در ردیف شکسته‌نویسان قرار می‌دهیم. بعد از جمال‌زاده، هدایت در نوشته‌های خود خصوصاً در داستان‌های کوتاه از این نثر استفاده کرد و نثری صمیمی و منزه پدید آورد. چوبک، بیش از دو نویسنده

مذکور در این گونه نثر طبع آزمایی کرد و آثاری موفق به وجود آورد. نثر او بیشتر در گفتگوهای اشخاص و شکستن کلمات و افعال مورد توجه قرار می‌گیرد. در میان نویسندگان نامبرده شده، آل احمد بیشترین درصد به کارگیری ویژگی‌های نثر شکسته را داراست.

به گونه‌ای که تمام ویژگی‌های این نوع نثر در آثار او به میزان قابل توجهی وجود دارد و بیشتر ادیبان، او را به عنوان نویسنده‌ای که نثری تلگرافی دارد، معرفی کرده‌اند و با جستجو در آثار آل احمد است که تمام خصوصیات نثر شکسته نمایان می‌شود. این نشانه‌ها در داستان‌های بلند او «نفرین زمین»، «مدیر مدرسه» و «حسی در میقات» بیشتر دیده می‌شوند.

ویژگی‌های نثر شکسته عبارتند از:

۱. حذف افعال یا ارکان دیگر جمله - با قرینه یا بی‌قرینه - به جهت کوتاهی و ایجاز در کلام:

ولی دیدیم هوا پس است و صلاح در معقول بودن.....یکی بود یکی نبود/ فارسی شکر است
ص ۱۹

یک دنیایی که در خودم بود، یک دنیای پر از مجهولات.....بوف کور ص ۶۶
مایحتاج زندگی محدود و به اندازه کافی به هم نمی‌رسید.....سگ ولگرد / تخت ابونصر ص ۸۳
اتاق تنها همین یک در داشت و دو تا پنجره به کوچه رو به دریا.....انتری که لوطیش مرده بود
/ چرا دریا طوفانی شده بود ص ۱۱

خود شیخ بود، محمد گنده رجب بود و آقا علی کچل.....تنگسیر ص ۵۸
از همه قمایش مردمی یافت می‌شد. حتی آخوند، منتهی به لباس معمول و متجدد.....دید و
بازدید / دید و بازدید عید ص ۶
ولی مگر ممکن بود؟ خانه دیگران بود و عیش و سرور دیگران.....سه تار / سه تار ص ۱۳

۲. شکسته شدن کلمات:

بش

خواستم بش بگویم که.....یکی بود یکی نبود/ فارسی شکر است ص ۳۰
نیس

لازم نیس، من خونه تو رو بلدم.....بوف کور ص ۳۱
هس

چیزی که هس مخارجش زیاد می‌شه.....سگ ولگرد / دن ژوان کرج ص ۲۶
یه وخت
حالا یه وخت نمی‌خواد تو روش بیاری.....انتری که لوطیش مرده بود / چرا دریا طوفانی شده
بود ص ۱۹

دس و پلم

برم آبی به صورتم بزنم و دس و پلم را تر کنم.....تنگسیر ص ۱۹

آخه

آخه ننه، شماها نمی‌دونین هووچیہ؟ دید و بازدید / گنج ص ۳۳ و ۶۲ و ۶۷
آدم‌هاش

اونم رو این برف‌ها آدم‌هاش دارن زه می‌زنن..... زن زیادی / جاپا ص ۱۴۲

۳. تبدیل افعال ربطی به «ه» یا «ی»:

گفت آیا حاضری این قوطی را برداشته یکی بود یکی نبود / ویلان الدوله ص ۱۰۴
صفرا بره شاتوت بوف کور / ص ۷۴

عاشق موقتی یا خیال‌داری بگیریش؟ سنگ ولگرد / دن ژوان کرج ص ۲۶
من هنوزم جاش تو پامه انتری که لوطیش مرده بود / چرا دریا طوفانی شده بود ص ۱۳
روزای شونزده، هفده ساعته تابستون خیلی سخته آدم روزہ بگیره تنگسیر ص ۱۵
اما حواسم صبح تا حالا پرته از رنجی که می‌بریم / روزهای خوش ص ۷۸
گل آفتابگردون دم دستمونه سرگذشت کندوها ص ۶۶

۴. حذف فعل «گفتن» و جایگزین کردن «که» به جای آن:

عاقبت خواهرم به صدا درآمد که: خاله جان آخرش چطور شد؟ دید و بازدید / گنج ص ۳۵

گریه کنان رفتند سراغ خاله خانم آب نباتی که: این عباس به اونای دیگه دوتا آب نبات داد به ما
یکی زن زیادی / سمنوپران ص ۳۲

میرزا صداس در آمد که: پسر جان چرا آنقدر قرق می‌کنی؟ نون و القلم ص ۲۹
فراش جدید آمد تو که: آگه خبرش می‌کرد آقا بایست سهمش رو می‌داد مدیر مدرسه ص ۸۶

دوید توی حرف بی‌بی که: پس معلوم شد پول آسیاب موتوری از کجا آمده، قربان نفرین
زمین ص ۱۰۴

۵. کاربرد فعل «داشتن» به جای «در حالی که»:

به پیر به پیغمبر عقل دارد از سرم می‌پرد یکی بود یکی نبود / فارسی شکر است ص ۲۸
داشتم خفه می‌شدم بوف کور ص ۹۹

خسروخان داره روسی می‌خونه انتری که لوطیش مرده بود / توپ لاستیکی ص ۱۳۳
کجا داشتی در می‌رفتی؟ تنگسیر ص ۱۷

بچه‌ها داشتند زور می‌زدند و ۷۵۴ را با ۲۶۱ جمع می‌کردند مدیر مدرسه ص ۱۸
هنوز داشتند چای می‌خوردند زن زیادی / دفترچه بیمه ص ۸۳

۶. کاربرد «که» به جای «وقتی»:

حاج علی که بیرون رفت ما هم سر و صورتی ترتیب دادیم یکی بود یکی نبود / رجل

سیاسی ص ۴۰

کارم که تمام شد نگاهی به خودم انداختم بوف کور ص ۳۶
صبح که بیدار شدم، کاتیا سماور را آتش کرده بود سنگ ولگرد / کاتیا ص ۷۸
از تم که می پرسم، میگی نمره پرونده و کاغذ اداریه انتری که لوطیش مرده بود / توب
لاستیکی ص ۱۲۹
دیده بود که صبحها که دکانش را باز می کرد «چارقل» می خواند تنگسیر ص ۸۸
از راه که می رسیدند دور بخاریها جمع می شدند مدیر مدرسه ص ۴۹
ماها تو خونمون که هستیم فقط جون می کنیم سرگذشت کندوها ص ۷۳

۷. جملات کوتاه:

در را از پشت بستند و رفتند و ما را به خدا سپردند یکی بود یکی نبود / فارس شکر است
ص ۲۰
فریاد کشیدم، با تمام قوایم فریاد کشیدم، همه اهل خانه آمدند جلوی اتاقم جمع شدند. آن لکاته
هم آمد و زود رد شد. به شکمش نگاه کردم، بالا آمده بود. نه هنوز نزاییده بود بوف کور
ص ۷۸
ایستاد، لاله می زد. زبان از ذهنش بیرون آمده بود. جلوی چشمهایش تاریک شده بود سنگ
ولگرد / سنگ ولگرد ص ۲۱
خیلی ذوق کرد، و رجه و رجه کرد. از رهایی خودش شاد شد. راه رفت انتری که لوطیش
مرده بود ص ۸۵
خواب بودی. تو خواب حرف می زدی. تو خواب دعوا می کردی. از ترس جونت بود که منو زدی.
اما خیلی قایم زدی. نفسم پس رفت. می خواستم بمیرم. اما باکی نیس تنگسیر ص ۱۵۵
یکباره ترسید. همه جا تاریک شده بود. چشمهای خود را مالید. هه! مثل این که سر و صورت و
دستش چرب شده بود. بیشتر ترسید سه تار / وسواس ص ۳۱
اما دیدم رزالت است و منصرف شدم. گفتم نشست. یک لیوان آب از کوزه به دستش دادم
مدیر مدرسه ص ۲۷

۸. کاربرد «که» به جای «در این هنگام»:

تا آمدم به خودم بجنبم که دیدم بلندم کردند یکی بود یکی نبود / رجنل سیاسی
ص ۴۹
سیگار می کشید که مجید آمد پای چاشت نشست سنگ ولگرد / بن بست ص ۶۱
رییس علی سرش تو دامن محمد بود که وصیت کرد و جان داد تنگسیر ص ۱۹۴
و حرفش داشت تمام می شد که پیشکار کلانتر برگشت نون و القلم ص ۱۰۳
در تماشای کوه و دره های اطراف بودم که هوا تاریک شد خسی در میقات ص ۱۶۱

۹. حذف فعل یا ارکان دیگر جمله:

میل‌ها ردیف و تمیز، کارد و چنگال‌ها براق و گلدان‌ها نقره روی بخاری درخشاندهدید و بازدید / دید و بازدید عید ص ۶
معلومه، نتیجه‌اش سینه درد و سل و بعد هم نقل مکان به بیمارستانسه تار / اختلاف حساب ص ۱۶۵

طبقه اول و دوم و چهارم، چهار تا پله یکیمدیر مدرسه ص ۷۴
و دو تا از دوستان، با خنده‌های معنی‌دار بر لبخسی در میقات ص ۱۰
همان طور که گفته شد نثر شکسته به گونه‌ای از نثر عامیانه گفته می‌شود که لحنی دقیق و حساس دارد و به شیوه‌ای تند و تیز و تلگرافی و افراطی نوشته می‌شود. نثر شکسته به قصد کوتاه کردن کلام و صریح بیان کردن معنی به کار گرفته می‌شود. این نثر توانایی بیان کردن واقعیت‌های اجتماعی را به گونه‌ای منزه طلب و سبکی جدی و تیزبین دارد.
در بین نویسندگان، آل احمد بیشترین بسامد ویژگی‌های نثر شکسته را دارد و شایسته است که او را «جلال نثر شکسته» بنامیم. چوبک، هدایت و جمال‌زاده به ترتیب افراد دیگری هستند که این ویژگی‌ها در آثارشان دیده می‌شود. این مطلب، نتیجه‌ای است که با خواندن آثار این نویسندگان و شمارش ویژگی‌های نثر شکسته به دست آمده است. برای رسیدن به این مقصود، از جمال‌زاده «یکی بود یکی نبود»، از هدایت «بوف کور» و «سگ ولگرد» و از چوبک «تتری که لوطیش مرده بود» و «تنگسیر» و از آل احمد همه آثار آن مطالعه و بررسی شد.



پانوش‌ها

۱. آل احمد، جلال، از تریجی که می‌مریم، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۷۰.
۲. آل احمد، جلال، سه تار، انتشارات امیرکبیر، ۴۹.
۳. آل احمد، جلال، زن زیادی، انتشارات فردوسی، چاپ پنجم، ۷۸.
۴. آل احمد، جلال، مدیر مدرسه، انتشارات امیرکبیر، ۷۵.
۵. آل احمد، جلال، سرگذشت کندوها، انتشارات رواق، چاپ دوم، ۵۰.
۶. آل احمد، جلال، نون و القلم، انتشارات امیرکبیر، ۵۷.
۷. آل احمد، جلال، خسی در میقات، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۷۰.
۸. آل احمد، جلال، نفرین زمین، انتشارات فردوسی، ۲۳.
۹. آل احمد، جلال، دید و بازدید، انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم، ۳۷.
۱۰. جمال‌زاده، محمدعلی، یکی بود یکی نبود، نگاه پروین، ۲۰.
۱۱. هدایت، صادق، بوف کور، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهاردهم، ۵۱.
۱۲. هدایت، صادق، سگ ولگرد، انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم، ۴۲.
۱۳. چوبک، صادق، تتری که لوطیش مرده بود، انتشارات جاویدان، ۵۵.
۱۴. چوبک، صادق، تنگسیر، انتشارات جاویدان، چاپ ششم، ۷۷.